

نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوق

راهکارهای حفظ اشتغال

با وجود تک‌نرخ شدن بیکاری در سال‌های اخیر، اما در سال جاری به علت تبعات ناشی از جنگ‌تعمیلی، بیم آن می‌رود که واحدهای اقتصادی به علت رکود، ناچار به کاهش نیروی کار خود شوند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد حتی در شرایط فعلی هم راهکارهای مناسب و قابل‌اجرایی برای جلوگیری از تعدیل نیروی کار وجود دارد.

در این زمینه بر اساس اظهارات کارشناسان و فعالان اقتصادی، می‌توان اقدامات فوری برای حفظ نیروی اشتغال انجام داد. رهبر معظم انقلاب در بخشی از پیام خود به مناسبت روز کارگر و روز معلم، بر «اجتناب از تعدیل نیرو و جداسازی نیروی کار تا حد ممکن» تأکید کردند. در این پیام، سه راهبرد برای حمایت از نیروی کار پیشنهاد شده است: ۱. «اولویت دادن به مصرف کالاها ساخت داخل» که وظیفه‌آحاد مردم است. ۲. نگاه به نیروی کار به منزله ثروت و واحدهای تولیدی و خدماتی که وظیفه‌بنگاه‌های اقتصادی است. ۳. حمایت از حفظ نیروی کار توسط دولت در حد مقدور. در این مطلب، به‌طور تیتروار راهکارهایی که کارشناسان برای حفظ اشتغال مطرح کرده‌اند ذکر شده است.

وظایف دولت:

کاهش فشارهای بیمه‌ای	
اعمال معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی برای بنگاه‌هایی که تعدیل نیرو نکنند	
تسهیل دسترسی به منابع مالی برای بنگاه‌ها با هدف حفظ اشتغال	
کاهش نرخ سود بانکی برای واحدهایی که نیروی کار را حفظ می‌کنند	
امهال سررسیدهای تسهیلات بنگاه‌های اقتصادی فعال	
پرداخت مابه‌التفاوت دستمزد به بنگاه‌هایی که نیروی کار را حفظ و ساعات کار کم می‌کنند	
هدایت بخشی از نیروی کار تعدیل‌شده به پروژه‌های مرتبط با بازسازی اقتصاد	
تخفیف در سهم کارفرما از حق بیمه تأمین اجتماعی برای بنگاه‌هایی که هیچ تعدیل نیرویی ندارند	
حذف سامانه‌های متعدد پیش روی فعالان اقتصادی تا اطلاع ثانوی	
حمایت از نیروی کار غیررسمی و فصلی با ثبت در سامانه جامع نیروی کار و ایجاد اشتغال موقت یا مشاغل عمومی	
ایجاد سازوکار بیمه بیکاری برای افراد دارای بیمه و حمایت موقت برای کسانی که بیمه نشده‌اند	
تقویت سازمان تأمین اجتماعی با پرداخت بدهی‌های دولت	
بازکردن خطوط اعتباری برای بانک رفاه کارگران	
فروش دارایی‌های غیرمولد دستگاه‌های دولتی برای تأمین منابع مالی موردنیاز حمایت از نیروی کار	
اتخاذ سیاست انبساطی دولت در شرایط جنگ مثل خلق نقدینگی برای حمایت از تولید بدون ایجاد تورم شدید	
هدایت منابع مالی به سمت تولید و حفظ گردش نقدینگی در بازار	
رونق دادن بازار مسکن و ساخت‌وساز به عنوان پیشران اشتغال	
تعریف ضرایب سختی کار و بازنشستگی زودتر برای بعضی نیروها	
تغییر ریل‌ها و الگوها، کاهش وابستگی به فولاد و بازسازی الگوهای ساخت	
راهنمایی هموطنان بیکار شده برای ایجاد کسب‌وکار خانگی از طریق رسانه‌ها و ایجاد بستر فروش محصولاتشان توسط شهرداری‌ها	
سیاست انبساطی هدفمند برای حفظ نقدینگی و حمایت از بازارها	
جذب سرمایه خرد مردم با تضمین ارزش و استفاده از تعاونی‌ها و نهادهای حمایتی	
توسعه بازارهای داخلی و استفاده از فروشگاه‌های زنجیره‌ای و بازارهای موقت برای توزیع کالاهای تولید داخلی	

راهکارهایی برای کارفرمایان:

اصلاح فرآیندهای تولید باهدف کاهش اتلاف منابع	
مدیریت هزینه‌های مالی و بازنگری در ساختار هزینه‌های غیرضروری	
کاهش ساعت کاری، کاهش مزایا و مرخصی بدون حقوق برای کاهش تعدیل موقت	
استفاده از مرخصی‌های برنامه‌ریزی شده به جای اخراج نیروی کار	
جابه‌جایی نیروها میان بخش‌های مختلف	

بگیری مقاصد سیاسی

در گزارش مذکور، دنبال کردن اهداف سیاسی و جناحی (سیاسی کاری) به وضوح دیده می‌شود و نویسنده بیشتر در پی آن است که از طریق روایتی کاملاً نادرست، به اشخاص برجسته بزند. شوربختانه تا زمانی که برخی از اهل قلم در رسانه‌ها به جای پابندی به رسالت اطلاع‌رسانی و نقد منصفانه، اسیر نگاه‌های شخصی، حب و بغض‌های فردی و انگیزه‌های غیرحرفه‌ای باشند، نمی‌توان انتظار داشت نقد‌ها راهگشا و سازنده شوند. بدیهی است رسانه‌ها زمانی می‌توانند در تعالی اقتصاد و جامعه نقش آفرین باشند که از مرز تسویه حساب‌های شخصی عبور کرده و زبان تحلیل را جایگزین لحن تخریب کنند.

توضیح چارسوق:

بانک مرکزی در این جوابیه مدخله در انتصاب مدیرعامل بانک ملی را تکذیب کرده است. این در حالی است که مطلب چارسوق بر اساس گزارش‌های مختلفی است که سایت اقتصاد آنلاین (از رسانه‌های حامی عبدالناصر همتی) در این زمینه منتشر کرده است. اقتصاد آنلاین توسط محمدصادق الحسینی اداره می‌شود که جزو حلقه اصلی عبدالناصر همتی است. الحسینی در شبکه‌های اجتماعی هم مطالب زیادی در مخالفت با تغییر مدیرعامل بانک ملی درج کرده است. بانک مرکزی اگر مدعی است که همتی در انتصاب مدیرعامل بانک ملی مدخله ندارد، بهتر است اول به اقتصاد آنلاین تکذیب بدهد.

مجمع بانک‌های دولتی است و بانک مرکزی صرفاً مسئولیت تأیید صلاحیت حرفه‌ای این مدیران را دارد که آن نیز در چارچوب وظایف ذاتی این نهاد انجام می‌شود.

مغالطه در افزایش نرخ ارز

در این یادداشت به افزایش نرخ ارز در دوران روسای کل پیشین اشاره شده است، در این راستا و برای تبیین افکار عمومی، توضیحات زیر لازم به ذکر است:

مقایسه رشد نرخ ارز در دوران روسای کل بانک مرکزی نشان می‌دهد که بیشترین میزان رشد نرخ ارز (مقایسه آغاز و پایان دوره) متعلق به دوران محمدرضا فرزین است که در طول ۲۶ ماه مدیریت او، نرخ ارز ۲۵۱ درصد افزایش یافته است.

این در حالی است که یادداشت مذکور به افزایش ۳۰۰ درصدی نرخ ارز در دوران رئیس کل اسبق بانک مرکزی اشاره کرده که با آمار واقعی بیش از دو برابر اختلاف دارد. به نظرمی رسد نویسنده در این روایت نیز برای مقاصد غیرمستقیم خود به دنبال عددسازی است.

هزینه‌کرد منابع ارزی از طریق پرداخت ارز ترجیحی و عدم مدیریت مناسب منابع ارزی موجب شد که محمدرضا فرزین در اواخر دوره خود در مدیریت بازار ارز با مشکل مواجه شود. در واقع، به تعویق انداختن نوسانات اقتصادی با اجرای سیاست تثبیت، به تخلیه نوسانات انباشته شده در سال ۱۴۰۴ منجر شد و شوک چنان شدیدی رخ داد که بیشترین افزایش نرخ ارز در میان تمامی دوره‌های رؤسای کل بانک مرکزی رقم زد.

جوابیه بانک مرکزی به روزنامه چارسوق

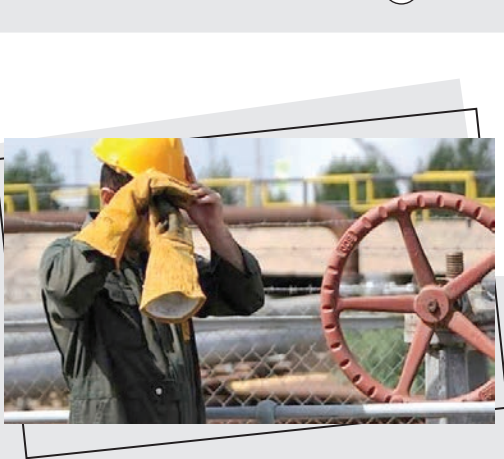
با سلام و احترام

به آگاهی می‌رساند روزنامه «چارسوق» در تاریخ شنبه ۱۲ اردیبهشت طی گزارشی با عنوان «آقای همتی به داد ارز برس» با روایتی نادرست و استدلالی بی‌پایه، موضوع انتصاب مدیران بانک‌های دولتی را به رئیس کل بانک مرکزی نسبت داده است. بر اساس قانون مطبوعات، بانک مرکزی جوابیه زیر را برای درج در نخستین شماره روزنامه پس از دریافت، با همان اندازه و تیترو در صفحه اول، ارسال می‌کند:

مغالطه در انتصاب مدیران و عددسازی در رشد نرخ ارز / مدیران عامل بانک‌های دولتی را وزیر اقتصاد منصوب می‌کند، نه رئیس کل بانک مرکزی!

نویسنده مطلب یاد شده، با وجود آنکه خود به این نکته اشاره کرده که انتصاب مدیران عامل بانک‌های دولتی در حیطه اختیارات وزیر اقتصاد است، اما در تناقضی آشکار، این انتصابات را به رئیس کل بانک مرکزی نسبت داده است. در حالی که مطابق خبر منتشر شده در رسانه‌ها برای انتصاب این مدیران، حکم آنها توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر شده و نویسنده در مغالطه‌ای ناچاگوشیده است این موضوع را به بانک مرکزی تحمیل کند.

لازم به تأکید است که انتصاب مدیران بانک‌های دولتی بر عهده وزیر امور اقتصادی و دارایی به عنوان رئیس



راه خنثی‌سازی بمب تعدیل نیرو در اقتصاد ایران

✚ مردم، کارفرما و دولت سه رکنی هستند که می توانند چرخه مخرب تعدیل نیرو در اقتصاد ایران را متوقف کنند.

صدای انفجارها شاید خاموش شده باشد اما در کوچه پس کوچه‌های شهر، جنگی قدیمی بی سروصدا ادامه دارد.

جنگی که موشک‌هایش تحریم‌اند و سنگ‌هایش ، کارگاه‌های کوچک و بزرگ. این نبرد، برخلاف روبرویی نظامی، شبانه‌روزی و بی‌امان، معیشت میلیون‌ها ایرانی را نشانه گرفته است و درست در همین بزرگانه، پرسشی حیاتی پیش روی ماست. اگر قرار باشد اقتصاد ایران از این میدان دشوار جان سالم به در ببرد، هر کدام از ما چه نقشی داریم؟

اخیراً در بالاترین سطح، سه دستور کار روشن برای این جنگ اقتصادی ترسیم شده است: سه راهبردی که اگر به باور عمومی بدل شوند، می توانند ورق را برگردانند.

این سه راهبرد، نه شعار که نسخه‌ای عملیاتی‌اند، مردم کالای ایرانی بخردند، کارفرمایان به نیروی کار همچون سرمایه‌ای بی‌بدیل بنگرند و دولت با سیاست‌های هوشمندانه، سیر حتمی پنگاه‌ها و کارگران باشد.

چرا خرید کالای ایرانی معجزه می‌کند؟

تصور کنید همین امروز، هر خان‌نواده ایرانی هنگام خرید، یک انتخاب آگاهانه داشته باشد، محصولی که ساخته دست موهطنس است را به نمونهٔ خارجی ترجیح دهد.

وقتی تقاضا برای کالاهای کارگاه‌ها و کارخانه‌های داخلی بالا می‌رود، چرخ تولید با سرعت بیشتری می‌چرخد و بنگاه‌ها از رکود بیرون کشیده می‌شوند. در چنین فضایی، دیگر فشار چندانی بر تولیدکننده نیست که برای بقا دست به اخراج نیروهایش بزند؛ بنابراین، اولین قدم از جنس یک عادت ساده و روزمره است؛ عادتی که هم اقتصاد را گرم نگه می‌دارد و هم پشتیبان‌های برای حفظ شغل‌های شود.

نیروی کار، هزینه نیست، ثروت است

حتی اگر بازار رونق نسبی بگیرد، اگر کارفرمایان نگاهشان را به نیروی انسانی تغییر نکرده باشد، بحران تمام نشده‌است.

رابطه‌ای که میان یک کارگر ماهر و بنگاه اقتصادی شکل می‌گیرد، دقیقاً نوعی سرمایه‌نامرئی و بی‌جان‌شمن است.

این سرمایه از دل سال‌ها تجربه، یادگیری و اعتماد متقابل انباشته‌شده‌است. اخراج یک کارگر، تنها از دست رفتن یک شغل نیست؛ نابودی سرمایه‌ای است که جایگزین کردنش ماه‌ها زمان و هزینه‌های سنگین استخدام، آموزش و آزمون و خطا می‌طلبد. بنگاه‌هایی که امروز در تنگنا نیروهایشان را رها می‌کنند، فردا که اقتصاد دوباره جان گرفت، راهی طولانی برای بازسازی همان مهارت‌ها در پیش دارند.

دولت چگونه می‌تواند فرشته نجات باشد؟

حقیقت این است که افزایش تقاضا و تغییر نگاه کارفرما به تنهایی کافی نیست. فشار تنگنای اقتصادی ممکن است بنگاهی را حتی باوجود این تغییر نگاه، به تعدیل نیرو وادار کند.

اینجاست که دولت باید با الگو گرفتن از تجربه‌های مثل دوران رکود بزرگ ۲۰۰۸ وارد عمل شود و به جای بیمه بیکاری، سیاست «حفظ شغل» را پیش ببرد. دولت می‌تواند برنامه‌های تشویقی مشروط طراحی کند. مثلاً بنگاه‌هایی که در دوره بحران هیچ تعدیل نیرویی نداشته‌اند، از تخفیف در سهم کارفرمای بیمه تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند.

یا این کارفرمایان متعهد، در اولویت دریافت وام‌های سرمایه‌در گردش و وام‌های با نرخ بهره ترجیحی قرار بگیرند. حتی می‌توان نیروی کار تعدیل‌شده‌ای که بیکار مانده‌اند را در پروژه‌های بزرگ بازسازی اقتصاد از نوسازی زیرساخت‌ها گرفته تا طرح‌های عمرانی به‌کار گرفت تا هم مهارتشان به یاد آید و هم به چرخه تقاضا بازگردند.

زنجیره‌ای که اقتصاد را از رکود بیرون می‌کشد

راز موفقیت این سه راهبرد، در پیوستگی آن‌هاست. وقتی کارگر شغل و دستمزدش را حفظ کند، تقریباً تمام آن پول دوباره صرف خرید کالاها و خدمات ایرانی می‌شود.

همین چرخه، تقاضا را بالا می‌برد، تولید را افزایش می‌دهد و به تدریج اقتصاد را مدار رکود خارج می‌کند. این یعنی با هماهنگی سه رکن مردم، کارفرما و دولت، می‌توان جبهه‌ای اقتصادی را ساخت که به دشواری جبهه نظامی شکست‌ناپذیر باشد.

جنگ، مراکز مالی را از دبی فراری داد

✚ در سایه جنگ اخیر، دبی با کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران وا فت نقش خود در بازارهای مالی بین‌المللی روبه‌رو شده‌است. در دبی تحولات اخیر و تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، نشانه‌هایی از خروج تدریجی مراکز مالی از دبی در امارات متحده عربی مشاهده می‌شود.

بر اساس گزارش‌ها، تعدادی از شرکت‌ها با مشکلات جدی مالی مواجه شده و برخی نیز اعلام ورشکستگی کرده‌اند؛ موضوعی که گفته می‌شود تا حدی تحت تأثیر مصادره دارایی‌های مرتبط با ایران در بانک‌های دبی و ارائه اطلاعات مربوط به طلا و ارزهای دیجیتال به ایالات متحده بوده‌است.

همچنین گزارش‌ها حاکی از آن‌است که بخشی از فعالیت‌های مالی در حال انتقال به مقاصد نظیر سوئیس، سنگاپور و استانبول است؛ مناطقی که به دلیل ثبات و چارچوب‌های مالی جذاب‌تر، مورد توجه فعالان اقتصادی قرار گرفته‌اند. برخی تحلیلگران معتقدند ورود امارات به رقابت اقتصادی با عربستان سعودی در بستر تحولات مرتبط با ایران، پیامدهای منفی برای جایگاه مالی این کشور به همراه داشته‌است.

در همین راستا، به نظری رسد امارات در تلاش است تا با افزایش صادرات نفت، بخشی از کاهش درآمد‌های ناشی از افت فعالیت‌های مالی را جبران کند. این تحولات در حالی رخ می‌دهد که تصویری به‌عنوان یک «پناهگاه امن مالی» به دنبال پاسخ‌های موشکی و پهپادی ایران به پایگاه‌های امریکا در منطقه با چالش مواجه شده‌است.

برخی ناظران با مقایسه این وضعیت با تجربه لبنان که زمانی به «سوئیس خاورمیانه» شهرت داشت معتقدند دبی نیز ممکن است به سمت اقتصادی با تمرکز بیشتر بر تجارت سنتی مانند نفت و سایر کالاها حرکت کند.



ارباب تنگه‌ها

این داستان تجارت ایرانی

گزارش

سروش رضانی فر

✚ توسعه یکی از شناخته‌شده‌ترین مفاهیم و برنامه‌هایی است که در طول دوران معاصر همواره بخشی از راهکارهای مدیریتی حاکم بر ایران شد و مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی از پرچالش‌ترین پروژه‌های توسعه شدند.

مرور عملکرد مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی در ایران گواه این موضوع است که این مناطق خیلی موفق عمل نکرده‌اند این مناطق در ایران با اهدافی چون جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کسب درآمد ارزی و افزایش صادرات، دستیابی به فناوری پیشرفته، جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تومر، محوریت‌زدایی از مناطقی که امکان رشد و توسعه بالقوه را دارند باید تأسیس شده‌اند. بررسی‌های اولیه ایجاد این مناطق به سال‌های دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی در ایران مربوط بوده که ناشی از نارسایی‌های توزیع کالا بود، در این دوره سایر نقاط جهان به دلیل تنگناهایی که نظریات حاکم بر اقتصاد برای آنها ایجاد کرده بود اقدام به ایجاد مناطقی برخوردار از حمایت‌های قانونی ویژه نمودند که مالتیپار را نام مناطق آزاد تجاری، صنعتی و ویژه اقتصادی می‌شناسیم.

تاسیس و فعالیت این مناطق در دهه ۷۰ خورشیدی و افزایش تعداد آنها در کشور با باید‌ها و نباید‌هایی همراه بود مناسب نبودن

بازه زمانی تاسیس مناطق آزاد مهم‌ترین ناکارآمدی این مناطق بود. درواقع این مناطق در ایران در زمانی موجودیت یافتند که اقتصاد جهان که اصلی‌ترین زمینه‌ساز تشکیل این مناطق می‌باشد در حال تغییر ساز کارهای حاکم بر مناسبات اقتصادی حاکم بر جهان می‌بود. ظهور و سازمان‌یافتگی نهادهایی چون سازمان

تجارت جهانی، موافقت‌نامه‌ها و پیمان‌های همکاری دوجانبه و چند جانبه اقتصادی و تجاری، خود تایید کننده این مهم است. دولت وقت ایران هم‌زمان علاوه بر تشکیل این مناطق خواهان و پیگیر عضویت در سازمان تجارت جهانی بود. نمود این پیگیری رادر موفقیت با عضویت ناظر در این سازمان در چارچوب گفت‌وگوهای اولیه هسته‌ای (توافقنامه مورخ ۲۴ آبان ۱۳۸۲ در پاریس بین ایران و سه کشور اروپایی) می‌توان دید. همچنین عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس که سازمان‌هایی براساس تجارت آزاد چندگانه هستند، از این رو توجیه‌پذیری تشکیل مناطقی با مزیت‌ها و معافیت‌های خاص از بین رفت و مناطق آزاد و ویژه تشکیل شده در همان ابتدای راه با شکست مواجه شدند و جزأ بیت‌وتوسعه کوتاه‌مدتی که براساس وجود قوانین و سیاست‌های حمایت‌گرایی، بازارشکنی (دامپینگ) از بین رفت نمونه‌ای از رفتار و سیاست‌های که علیرغم وجود و

اعمال آنها در برخی صنایع آن صنعت فاقد کارآمدی لازم می‌باشد. بازرترین خصوصیت مناطق آزاد معافیت‌های مالیاتی، گمرکی و عوارض بندری، فرودگاهی آنها می‌باشد که در حال حاضر این مناطق همچون سایر نقاط کشور ملزم به پرداخت مالیات و عوارض یکسان با سایر نقاط کشور و سایر موانع و محدودیت‌های موجود

در فعالیت‌های اقتصادی کشور و مواجهه با دو گمرک می‌باشند. شش‌رایلی که توجیه‌پذیری هر فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد و هیچ برتری با سایر نقاط کشور علیرغم تحمل هزینه‌های ناشی از وجود کاستی‌ها برای فعالیت اقتصادی در این مناطق متصور نمی‌باشد؛ اما دولت علیرغم وضعیت یادشده از مناطق آزاد و ویژه همچنان به گسترش و تشکیل این مناطق می‌پردازد اما هیچ‌گاه به تحولات توسعه تجاری کشور و رفع نواقض قانونی این دستگه‌های موجود و سازمان‌های مناطق آزاد می‌پردازد، ازجمله اختلافات میان مناطق آزاد و شهرداری‌ها که براساس تعارض قوانین وجود دارد.

از سوی دیگر تغییرات و نیازهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که سطح بحث باعث ایجاد معاهدات تجارت آزاد یا موافقت‌نامه‌های تجاری دو بسا چندگانه گردید،

معاهداتی که در مرزهای مشترک با مناطق خاص جغرافیایی که تسهیل‌کننده و یاداری نقشی خاص در مناسبات اقتصادی دارند ایجاد می‌شوند موقعیت خاص جغرافیایی ایران باعث دست بالا در این روابط جدید است. موقعیتی یادارابودن مسیرهای زمینی، هوایی، دریایی.

جنگ رمضان باعث شد برتری سرزمینی ایران عیان شودموضوعی که هزاران صفحه مقاله، خبر، همایش و تبلیغات ارزش آن را اثبات نکرده بود و نقش استثنایی تنگه هرمز بیش از پیش به این برتری کمک کرد. این برتری سرزمینی توسعه اقتصادی را که برپایه توسعه‌های نهاد‌های مستقر در آمریکا پایه‌گذاری شده بود را باچالش مواجه ساخت.

مدلی از توسعه که ابزار برای مهار جوامع است و پول ملی، نظام بانکی و بیمه‌ای تبدیل به بازیگران توصیه‌های نظام مالی جهانی توسعه محور شدند.

برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بربنمای همپیوندی اقتصاد ملی بااین ساختارهای مالی و اقتصادی جهانی تدوین شده‌انداز این روکارآمدی سازوبرگ این برنامه‌ریزی با چالش مواجه بوده. بازرگانی ایران همواره به‌صورت سنتی بخشی از مسیرهای ارتباطی بین سرزمین‌ها و تمدن‌ها بوده‌است. با گذر زمان و پیگیری الگوهای توسعه در گلوگاه‌های ژئوپلیتیکی کشور مناطق آزاد ایجاد شدند اما این مناطق همانطور که گفته شد ناکارآمد شدند تحولات داخلی و اقدامات منطقه‌ای و جهانی در این ناکارآمدی مناطق آزاد و توسعه تجاری نقش عمده‌ای داشته‌است.

تردیدآفرینی درباره مسیرهای اصلی تجارت که از سرزمین ایران می‌گذرد طرح‌های کریدورهای اقتصادی دیگر را ایجاد نمود کریدورهایی که با توجیه نمودن اتصال هند از طریق کشورهای خلیج فارس، اردن و سرزمین‌های اشغالی به اروپا نمودند و یک مسیر ترکیبی زمینی و دریایی که تنگه هرمز را دور بزند این طرح و طرح‌های کریدوری دیگر به منظور از بین بردن نقش بی‌بدیل تنگه هرمز در تجارت جهانی بوده‌است اما بی‌ثباتی ناشی از درگیری‌های اخیر ضرورت راهبردی تنگه هرمز و پایداری مسیرهای اصلی تجارت که از سرزمین ایران می‌گذرد را نشان می‌دهد.

تاثیرات اقتصادی و برآورد‌ها از تنگه هرمز و راهگذرهای ایران نشان می‌دهد سیاست‌گذاری می‌بایست باسبب شناسی و ارزیابی وضع موجود در قوانین و مقررات و رویه‌های موجود به سازمان دهی، اصلاح و بازنگری جدید در سیاست‌ها و تشکیلات بازرگانی و استفاده از حداکثر ظرفیت‌های مشارکت عمومی، خصوصی، منطقه‌ای و جهانی حرکت کند.

معاهدات تجارت آزاد دوپا چندجانبه براساس برتری‌های سرزمینی ایران که در آن از الگو‌هایی چون ایجاد مناطقی با مزیت‌های مصنوعی که تاکنون توسعه برای توسعه صادرات نبوده است می‌تواند حقوق تجارت بین‌الملل ایران را بر اساس امنیت ملی براساس شکل جدیدی از توافقات تجاری تضمین می‌نماید زیرا هم‌زمان تنگه هرمز و سایر گلوگاه‌های ایران راهبردی می‌باشد و یک شاهراه جهانی و تاثیر گذار است.

فایننشال تایمز: یک‌ماه دیگر قیمت‌ها منفجر می‌شود

✚ فایننشال تایمز طی گزارشی به نقل از تحلیلگران نوشت، بازار نفت تا چهار هفته دیگر به نقطه عطف قیمت‌ها خواهد رسید. روزنامه فایننشال تایمز طی گزارشی نوشت، پس از اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا روز پنج‌شنبه به مدیران شرکت‌های نفتی گفت که محاصره تنگه هرمزی می‌تواند «ماه‌ها ادامه یابد»، بازارها به تدریج احتمال یک درگیری بسیار طولانی را در قیمت‌گذاری خود لحاظ می‌کنند.

براساس این گزارش، معامله‌گران هشدار داده‌اند، بازار نفت تا چهار هفته دیگر به «نقطه عطفی» خواهد رسید که قیمت‌ها را به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد، چراکه محاصره در تنگه هرمز باعث کاهش ذخایر جهانی به زیر سطوح بحرانی شده‌است.

معامله‌گران و تحلیلگران هشدار دادند که ذخایر جهانی نفت خام، بنزین، گازوئیل و سوخت جت تا پایان ماه می به سطوح بحرانی پایینی خواهد رسید و در آن نقطه، قیمت‌ها به سرعت افزایش خواهند یافت. فردریک لاسر، رئیس تحقیقات شرکت کانور، یکی از بزرگ‌ترین معامله‌گران نفت در جهان، گفت: «ما ماه‌ها وقت نداریم.» وی هشدار داد که «در عظیمی» در انتظار

ماست چراکه اقتصادها مجبور به توقف مصرف سوخت می‌شوند. «این فرازون را بنزین جایگاه‌های سوخت و تعطیلی صنایع است و وارد رکود خواهد شد.» این تحلیلگر افزود: «نقطه عطف به وضوح ژوئن است. این نقطه‌ای است که چیزی باید تغییر کند.» آمریکا، سن، بنیانگذار مشاوره انرژی اسپنکر، گفت که اگر جنگ تا پایان ژوئن ادامه یابد، تمام ذخایر تخلیه خواهد شد. «در اصل، شش‌می تولید هر عددی را برای قیمت نفت انتخاب کنید. ما دیگر هیچ ذخیره‌ای نخواهیم داشت.» وی افزود: «تغییر قیمت‌گذاری از امروز به بعد آغاز می‌شود. ما انتظار افزایش قابل توجهی در نفت خام و فرآورده‌ها داریم» و پیشنهاد کرد که قیمت آتی نفت برنت، معیار بین‌المللی، می‌تواند به ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در هر بشکه صعود کند. قیمت نفت برنت در این هفته به بالاترین حد چهار ساله خود یعنی بیش از ۱۲۶ دلار در هر بشکه رسید، در میان معاملات بسیار پر نوسان که قراردادهای آتی مرتبط با تحویل ژوئن منقضی شدند. قیمت روز جمعه بر اساس قرارداد آتی جولای به زیر ۱۱۰ دلار بازگشت. بسیاری از فعالان بازار زمانی که درگیری در او‌اخر فوریه آغاز شد، انتظار جنگی کوتاه‌مدت داشتند اما از آن زمان تاکنون مجبور شده‌اند انتظارات خود را اصلاح کنند.

هلیمیا کرافت، رئیس استراتژی جهانی کالا در بازارهای سرمایه آر بی سی، گفت: «ممکن است در آستانه تغییر رویکردی باشیم زیرا مردم شروع به درک این موضوع می‌کنند که پیام‌های آمریکا ممکن است نشان دهنده واقعیت نباشد.» کرافت افزود که اگر محاصره در سراسر ماه می ادامه یابد، قیمت نفت می‌تواند از اوج سال ۲۰۲۲ که نزدیک به ۱۴۰ دلار در هر بشکه بود، فراتر رود. این تحلیلگر گفت: «از ابتدا، کاخ سفید در پیام‌رسانی این که این جنگی کوتاه خواهد بود بسیار موفق بوده‌است و اکنون به نظر می‌رسد که این جنگ می‌تواند در تمام تابستان ادامه یابد.»

جنگ ایران بزرگ‌ترین اختلال روزانه عرضه انرژی



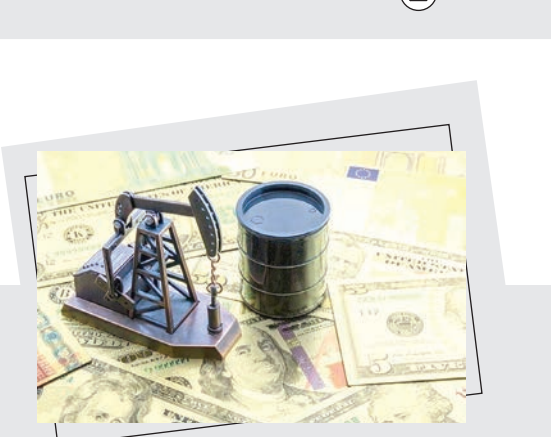
انقلاب ایران، این رقم به حدود ۵.۶ میلیون بشکه در روز رسید و در جنگ خلیج فارس نیز کاهش عرضه در سطح حدود ۴.۳ میلیون بشکه در روز برآورد شد. به این ترتیب، جنگ ایران از نظر شدت اختلال روزانه در عرضه نفت، بزرگ‌ترین شوک ثبت‌شده در تاریخ بازار انرژی محسوب می‌شود. با این حال، برای مقایسه دقیق‌تر با بحران‌های گذشته، باید مدت‌زمان بحران و تلفات تجمعی عرضه نیز در نظر گرفته شود.

اهمیت مدت بحران در سنجش شوک انرژی

درگیری فعلی که حدود ۵۲ روز ادامه یافته، نزدیک به ۶۲۴ میلیون بشکه‌از عرضه جهانی را حذف کرده‌است. این رقم تقریباً در سطح تلفات تجمعی عرضه در جریان تحریم نفتی ۱۹۷۳ قرار دارد که بین ۵۳۰ تا ۶۵۰ میلیون بشکه برآورد می‌شود. با این حال، انقلاب ایران در بازه‌های طولانی تر تلفات تجمعی بسیار بیشتری به بازار جهانی وارد کرد. بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱، کاهش تولید نفت ایران به حذف بیش از ۴ میلیارد بشکه از عرضه منجر شد؛ هرچند بخشی از این کاهش با افزایش تولید کشورهای همسایه جبران شد. تفاوت کلیدی بحران فعلی این است که تولیدکنندگان بزرگ منطقه، از جمله عربستان سعودی و امارات، به دلیل اختلال در مسیرهای حمل‌ونقل از تنگه هرمز، توان جبران مؤثر عرضه از دست‌رفته را ندارند. در بحران‌های پیشین، ظرفیت مازاد برخی تولیدکنندگان می‌توانست بخشی از فشار بازار را کاهش دهد، اما در شرایط کنونی، مشکل فقط میزان تولید نیست؛ مسیر انتقال انرژی نیز با اختلال روبه‌رو شده‌است.

تأثیرات فزاینده خطر مقدم اثرات فوری بحران

آثار فوری بحران بیش از همه در آسیا و آفریقا نمایان شده‌است؛ مناطقی که اکمبود سوخت روبه‌رو شده‌اند. این وضعیت با شوک نفتی ۱۹۷۳ تفاوت دارد؛ در آن دوره، اثر بحران بیشتر در آمریکا و اقتصادهای غربی دیده‌شد و صف‌های طولانی در جایگاه‌های سوخت به‌نماد



ابعاد وابستگی اقتصاد آمریکا به نفت

✚ یک وبگاه آمریکایی با اشاره به پیامد طولانی بحران نفت برای آمریکا تاکید کرد زمان اصلا به نفع ترامپ نیست.

در شرایطی که دولت آمریکا به ریاست دونالد ترامپ سعی دارد وانمود کند که بحران بزرگ انرژی در جهان بعد از آغاز جنگ غیرقانونی این کشور علیه ایران، به آمریکا آسیب نمی زند و حتی منافی برای آن خواهد داشت، اما تحلیلگران و ناظران متخصص معتقدند که ایالات متحده بیش از چین، روسیه یا اتحادیه اروپا از شوک نفتی به وجود آمده در جهان بعد از این جنگ، رنج خواهد برد.

در این زمینه وب سایت تحلیلی آمریکایی «رساناسپیل استیت کرافت» در گزارشی اعلام کرده که شوک نفتی بسیاری از آمریکایی ها را غافلگیر خواهد کرد، زیرا ترامپ و شرکایش، منطقه را با مفاهیم غلط قدیمی پرمی کنند تا از وحشت و مخالفت افکار عمومی آمریکا با جنگ جلوگیری کنند.

شوک نفت به اقتصاد آمریکا

براساس این گزارش، این هشدار در حالی مطرح می شود که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا و اعضای دولتش ادعا می کنند که تولید عظیم نفت آمریکا، این کشور را از شوک های قیمتی ناشی از بستن تنگه هرمز توسط ایران محافظت می کند، اما آنها اشتباه می کنند.

این وب سایت توضیح داد که تولید نفت آمریکا مصرف کنندگان آمریکایی را از نوسانات قیمت نفت که با عامل عرضه و تقاضا در بازار جهانی تعیین می شود، مصون نمی دارد.

وبگاه مذکور تاکید کرد که اما محاسبات دولت ترامپ برعکس است؛ زیرا به دلیل اینکه اقتصاد آمریکا در مقایسه با کشورهای رقیب، مقادیر بیشتری نفت برای تولید هر واحد از تولید اقتصادی مصرف می کند، ایالات متحده

بیش از سایر کشورها تحت تأثیر شوک قیمتی قرار خواهد گرفت.

در ادامه این گزارش آمده است که در شرایط عادی، بازار جهانی روزانه حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت تأمین می کند، اما بستن تنگه هرمز به دلیل جنگ ترامپ علیه ایران منجر به کاهش ناگهانی حدود ۱۰ میلیون بشکه در روز شد. این امر باعث کاهش ذخایر جهانی نفت و افزایش قیمت آن در تمام کشورهای درگیر در بازار جهانی نفت، از جمله ایالات متحده، شد، چه این کشورها نفت خلیج فارس را مستقیماً مصرف کنند یا نه.

وب سایت مذکور آمریکایی گزارش داد که جریان نفتکش های خالی که اقیانوس اطلس را برای بارگیری نفت آمریکایی طی می کنند که ترامپ به آن افتخار می کرد، درواقع مکانیسم دقیق انتقالی است که از طریق آن شوک منتشر می شود؛ به عبارت دیگر، این نفتکش ها نفت آمریکا را به آسیا، جایی که قیمت ها بالاتر است، منتقل می کنند که به نوبه خود منجر به افزایش قیمت نفت در ایالات متحده می شود.

بر اساس این گزارش، داده های اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) برای هفته منتهی به ۲۴ آوریل گذشته، کاهش چشمگیر ۶٫۲ میلیون بشکه ای در ذخایر نفت آمریکا نشان می دهد که تأیید می کند فرآیند انتقال در حال انجام است. برآوردهای اداره اطلاعات انرژی نشان می دهد که متوسط قیمت بنزین در ایالات متحده در آوریل به ۴٫۲۴ دلار در هر گالن افزایش یافته است، در مقایسه با ۳٫۷۷ دلار در هر گالن در مارس و ۳٫۰۳ دلار در هر گالن در فوریه، قبل از شروع جنگ.

این وب سایت تأکید کرد که حتی اگر تنگه هرمز از فردا با ظرفیت کامل بازگشایی شود، قیمت بنزین در ایالات متحده در ماه مه باز هم افزایش خواهد یافت؛ به دلیل تأثیرات زمانی تأخیر یافته نفت استخراج شده از خلیج فارس که قبلاً از بازار خارج شده است.

وب سایت رساناسپیل استیت کرافت تاکید کرد که اغراق نیست اگر بگوییم درآستانه فروپاشی اقتصاد جهانی هستیم؛ زیرا مصرف نفت یک ضرورت است که نمی توان آن را به سرعت کاهش داد. شوک های قیمت نفت با رکود اقتصادی مرتبط است، زیرا افزایش شدید قیمت نفت پیش از موارد رکود در ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم بوده است.

وب سایت مذکور گزارش داد که افزایش قیمت بنزین خانواده های آمریکایی را مجبور می کند تا هزینه های خود را برای هر چیز دیگری کاهش دهند و همین منجر به شوک تقاضای عظیمی برای سایر کالاها می شود. همچنین، افزایش هزینه های حمل و نقل کالاهایی مانند غذا و لباس منجر به افزایش شدید قیمت این ضروریات خواهد شد که تورم در کشور را تشدید می کند.

وابستگی اقتصاد آمریکا به نفت

بر اساس این گزارش، اقتصاد آمریکا به شدت به نفت وابسته است؛ به این معنی که برای تولید هر واحد از تولید ناخالص داخلی، مقادیر بیشتری نفت نسبت به چین، روسیه و کل اتحادیه اروپا نیاز دارد. برای هر دلار از تولید اقتصادی، اقتصاد آمریکا دو برابر مقدار نفتی که اتحادیه اروپا مصرف می کند ۷٫۴۰ بیشتراز چین و ۷٫۲۰ بیشتراز روسیه مصرف می کند.

این وب سایت دو عامل اصلی را که وابستگی زیاد تولید آمریکا به نفت را توضیح می دهد، مشخص کرد: اولاً، ایالات متحده به فرهنگ «خودرو دوست خود» معروف است و سیستم حمل و نقل آن همیشه بیشتر از سایر قدرت های بزرگ به خودروها وابسته بوده است. ثانیاً، ایالات متحده در گذار به وسایل نقلیه الکتریکی که می توانند تقریباً به طور کامل با شبکی های برق مستقل از نفت کار کنند، تأخیر داشته است.

به گزارش رساناسپیل استیت کرافت، در این میان چین، به طور خاص، مدت هاست که استفاده از وسایل نقلیه الکتریکی و راه آهن برقی را به دلایل استراتژیک تشویق کرده است و از مزایای امنیتی ناشی از جداسازی سیستم حمل و نقل خود از بازار جهانی نفت که در معرض نوسانات قیمت است، آگاه است.

زمان به نفع ترامپ نیست و باید با ایران توافق کند

این وب سایت تأکید کرد که در بلندمدت، ایالات متحده باید از استراتژی چند پیروی کند و خطرات مرتبط با وابستگی به نفت را کاهش دهد؛ بنابراین در کوتاه مدت، تنها راه حل دستیابی به توافق با ایران برای بازگشایی تنگه هرمز است و هر چه سریع تر این کار انجام بگیرد بهتر است.

در پایان این گزارش آمده است که قدرت جهانی نت ترامپ با تشدید ناآرامی ها و افزایش قیمت نفت در ایالات متحده کاهش خواهد یافت و زمان به نفع ترامپ نیست.

■ **دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵** ■ ۱۶ ذی القعدة ۱۴۴۷

■ **چاپخانه:** نگار نقش ■ **تلفن:** ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ **روابط عمومی:** ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹۲

■ **مدیر مسئول:** مهدی مهرپور

■ **کد پستی:** ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ **آدرس:** تهران، خیابان میرزا شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



بازنگری رقم کالابرگ، الزامی برای حفظ قدرت خرید مردم

گزارش

✚ سه سناریو برای بازنگری رقم کالابرگ ارائه شده که اکنون و در آستانه اردیبهشت، نیازمند تصمیم گیری فوری است.

با اجرای طرح کالابرگ الکترونیک هم زمان با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی در دی ماه، دولت وعده داد که حمایت از خانوارها نه در ابتدای زنجیره تأمین، بلکه به صورت مستقیم و به عنوان اعتبار مصرف کننده پرداخت شود. بر اساس همین منطق نیز مقرر شد مایه التفاوت نرخ ارز در قالب اعتبار یک میلیون تومانی برای هر نفر به مردم اختصاص پیدا کند.

با وجود این، جهش هزینه های ناشی از این جابه جایی ارزی بسیار فراتر از برآوردهای اولیه بود و تورم سال گذشته را به حدود ۵۰ درصد، یعنی بالاترین نرخ تورم سالانه کشور رساند. در چنین وضعیتی، دولت که قول داده بود با افزایش قیمت کالاهای اساسی، رقم کالابرگ نیز افزایش یابد تا ارزش یک میلیون تومان آب نرود، اکنون در برابر آزمون جدی قرار گرفته است؛ تصمیم گیری فوری برای افزایش اعتبار کالابرگ پیش از رسیدن به کالابرگ اردیبهشتی

الزام بازنگری در رقم کالابرگ

از ابتدای جنگ اخیر، قیمت بسیاری از کالاهای اساسی با سرعتی

۴۵۱

■ **چاپخانه:** نگار نقش ■ **تلفن:** ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ **روابط عمومی:** ۰۹۲۱۳۹۰۹۶۹۲

■ **کد پستی:** ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ **آدرس:** تهران، خیابان میرزا شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲



بازنگری رقم کالابرگ، الزامی برای حفظ قدرت خرید مردم

بیش از انتظار بالا رفته است. این رشد قابل توجه، نه تنها اثر توری حذف ارز رجیحی را تشدید کرد، بلکه فاصله میان قیمت واقعی سید مصرف خانوار و رقم کالابرگ را افزایش داده است.

به همین دلیل، وزارت کار در ماه های اخیر سه سناریوی رسمی برای بازنگری رقم کالابرگ ارائه کرده؛ سناریوهایی که اکنون و در آستانه اردیبهشت، نیازمند تصمیم گیری قطعی و فوری هستند.

سناریوی اول: افزایش رقم کالابرگ بر اساس سید ۲۸۰۰ کالری

سید واقعی مصرف؛ پر هزینه اما نزدیک ترین گزینه به واقعیت معیشت. در یک سناریوی پیشنهادی، افزایش رقم کالابرگ بر مبنای سیدی از کالاها تعریف شده که ۲۸۰۰ کالری روزانه مورد نیاز هر فرد را پوشش می دهد. این سید شامل گروه های متنوع تری از مواد غذایی است و برخلاف تصور، بسیاری از اقلام آن (مثل نان، ماکارونی، میوه و سبزیجات) چندان وابسته به نرخ ارز نیستند اما در ماه های اخیر به شدت افزایش قیمت داشته اند. این سناریو بیشترین نزدیکی را به الگوی مصرف واقعی مردم دارد، اما از آنجا که اثر جهش قیمتی این گروه ها بالاست، می تواند بار مالی سنگینی برای دولت ایجاد کند و احتمالاً با محدودیت های بودجه ای همخوانی ندارد.

سناریوی دوم: تکیه بر سید ۱۱ قلم اولیه

گزینه محافظه کارانه با تمرکز بر کالاهای اساسی مشمول یارانه. در سناریوی دوم، مبنای محاسبه افزایش رقم کالابرگ همان ۱۱ قلم اولیه است که طرح یا آن آغاز شد شامل سبب مصرف خانوار و رقم کالابرگ را افزایش داده است.

به همین دلیل، وزارت کار در ماه های اخیر سه سناریوی رسمی برای بازنگری رقم کالابرگ ارائه کرده؛ سناریوهایی که اکنون و در آستانه اردیبهشت، نیازمند تصمیم گیری قطعی و فوری هستند.

سناریوی سوم: افزایش حداقل ۲۵

درصدی بر اساس مایه التفاوت نرخ ارز در سناریوی سوم، مبنای افزایش کالابرگ تفاوت نرخ ارز پس از حذف نرخ ۲۸۵۰۰ است. مسیر تغییر نرخ ارز چنین بوده است که پیش از دی ماه، بخشی از کالاها از ۲۸۵۰۰

دریافت می کردند و گروهی دیگر با ارز تالار اول حدود ۷۰ هزار تومان تأمین می شدند.

پس از اجرای کالابرگ، تمامی کالاهای اساسی به تالار دوم منتقل شدند. نتیجه آن افزایش نرخ ارز تا حدود ۱۱۲ هزار تومان افزایش یافت.

نرخ ارز اساسی حدود ۱۴۰ هزار تومان

بر مبنای این اعداد، حداقل ۲۵ درصد مایه التفاوت باید در رقم کالابرگ جبران شود. این سناریو واقع گرایانه ترین گزینه از نظر منبع تأمین مالی است، زیرا از ابتدا نیز همین مایه التفاوت منبع اصلی تأمین اعتبار کالابرگ بوده است.

ضعف سناریوی سوم؛ تورم خوراکی فراتر از تورم ارزی بوده است. مشکل این سناریو این است که تورم کالاهای اساسی در ماه های اخیر بیشتر از تورم ارز بوده است؛ به عبارت دیگر، اگر تنها مقدار افزایش ارز ملاک قرار بگیرد، افزایش قیمت واقعی خوراکی ها جبران نشده و مردم باز هم متضرر می شوند.

با این حال محدودیت مهمی وجود دارد؛ منبع دیگری جز مایه التفاوت نرخ ارز برای جبران رقم کالابرگ در بودجه دیده نشده است؛ بنابراین، عملیاتی ترین و محتمل ترین سناریو همان افزایش حداقل ۲۵ درصدی است.

ضرورت تصمیم گیری فوری

با توجه به وعده ای که دولت هنگام اجرای طرح در دی ماه داده بود—یعنی افزایش رقم کالابرگ هم زمان با افزایش قیمت کالاهای اساسی—اکنون افکار عمومی انتظار دارد پیش از صدور کالابرگ اردیبهشت تصمیم نهایی گرفته شود.

تورم خوراکی ها در ماه های اخیر شتاب گرفته است. در عین حال رقم یک میلیون سالگی کالابرگ عملاً بخشی از قدرت خرید خود را از دست داده است. همراه تأخیر، شکاف بیشتری میان هزینه واقعی سید مصرف و حمایت دولت ایجاد می کند.

اجرای افزایش رقم کالابرگ از اردیبهشت یا خرداد، نه یک اقدام تشریفاتی، بلکه ضرورتی فوری برای جلوگیری از کاهش بیشتر قدرت خرید خانوارها است.

تغییر رقم کالابرگ: الزامی برای حفظ

اعتماد

اکنون سه سناریوی روشن روی میز دولت است، اما بیش از آنکه انتخاب سناریو تعیین کننده باشد، تسریع در تصمیم گیری اهمیت دارد. با توجه به جهش قیمت کالاهای اساسی و وعده جبران تورم، انتظار عمومی این است که دولت اردیبهشت یا خرداد نسبت به تعیین رقم جدید کالابرگ اقدام کند.

در عین حال این انتظار وجود دارد تا رقم حداقل بر اساس مایه التفاوت نرخ ارز افزایش پیدا کند یا در صورت امکان، به سناریویی نزدیک تر به سید واقعی مصرف این افزایش صورت بگیرد تا بتواند بخشی از فشار معیشتی خانوارها را جبران کند و اعتماد عمومی به طرح کالابرگ را حفظ نماید.

اسکناس های درشت می تواند ابزاری برای قاچاق سوخت و فرار مالیاتی باشد

✚ یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه اسکناس هایی با ارقام درشت با هدف سهولت در مبادلات طراحی و چاپ می شوند، گفت: مشکل اینجاست که به دلیل غیرقابل رهگیری بودن پول نقد، این نوع اسکناس های می توانند به ابزاری برای فعالیت های اقتصاد زیرزمینی چون قاچاق سوخت و یا فرار مالیاتی تبدیل شوند.

کارمان ندزی با اشاره به توزیع ایران چک های یک میلیون تومانی در اواخر سال گذشته اظهار داشت: اگرچه توقف چاپ این اسکناس ها اقدامی درست و ضروری محسوب می شود، اما جمع آوری تدریجی حجم بالایی آنها از بازار، نیازمند الزام بانک ها به بازگرداندن این چک پول ها به بانک مرکزی است و تا زمان خروج کامل این اسکناس ها از چرخه پولی، امکان سوء استفاده از آنها برای معاملات غیرشفاف، از جمله قاچاق سوخت، همچنان وجود خواهد داشت. وی توضیح داد: از آنجا که پول نقد قابل رهگیری و پیگیری نیست، نمی توانیم بفهمید از چه کسی به چه کسی منتقل شده و یابت چه بوده است؛ عمدتاً توسط کسانی استفاده می شود که می خواهند هویتشان مخفی باشد یا مبادله ای که می کنند مخفی بماند. ندزی با بیان اینکه می توان با پول نقد کالا یا خدمات غیرمجاز و ممنوعه را خرید و فروش کرد حتی فرار مالیاتی داشت، افزود: در همه جای دنیا پول نقد به ویژه با ارقام درشت آن برای فعالیت زیرزمینی اقتصادی نیز کاربرد دارد به طوری که افرادی که نمی خواهند فعالیت هایشان رسمی و شفاف باشد، از پول نقد با اسکناس در معاملات خود استفاده می کنند تا معاملات ممنوعه انجام دهند و یا فرار مالیاتی داشته باشند. این استاد دانشگاه کارشناس کرد: در ایران از گذشته مبادله با اسکناس به صورت نقره رواج داشته است و تا همین چند ماه پیش درشت ترین پول در گردش ۲۰۰ هزار تومانی بود اما با توجه به رشد تورم، معاملات با این اسکناس ها سخت شده بود و به همین دلیل می بایست اسکناس های جدیدی ارقام درشت تری چاپ و توزیع می شد. ندزی ادامه داد: اگرچه بانک مرکزی این اسکناس ها را با هدف سهولت در مبادلات در اختیار مردم قرار داد اما به دلیل سهم قابل توجه اقتصاد غیررسمی، بخشی از این اسکناس های درشت به سمت قاچاق حرکت کرده به طوری که دیدیم در استان های مرزی با اسکناس های ۵۰۰ هزار و یک میلیون تومانی به ارتزاقی با قیمت پایین تر عرضه می شد. وی تاکید کرد: بدون شک کسانی که به شکل گسترده به دنبال استفاده از اسکناس های درشت هستند، باید در حال فعالیت های ممنوعه هستند و می خواهند فرار مالیاتی داشته باشند که هر دو به اقتصاد آسیب می زند. این کارشناس اقتصادی خرید و فروش ارز، قاچاق سوخت، مواد مخدر و حتی انواع کالاها را از جمله کاربرد های معامله با اسکناس های درشت برشمرد و گفت: ویژگی معاملات ناشناس، ناشناس ماندن خریدار و فروشنده و مورد معامله است و این موضوع به اقتصاد آسیب می زند. ندزی در پاسخ به اینکه دولت باید چه اقداماتی را برای مقابله با این کار انجام دهد، اظهار داشت: یکی از راه ها جمع آوری اسکناس های درشت است که می توان بخشی از را از طریق بانک ها جمع آوری کرد هر چند بخشی از این پول ها در دست مردم باقی می ماند و در چرخه نظام پولی کشور دست معامله می شود. وی با یادآوری این نکته که سال گذشته قانون حذف چهار صفر از پول ملی به تصویب مجلس رسید، پیشنهاد کرد که بانک مرکزی نه تنها چاب این اسکناس ها را متوقف کند بلکه اجرای این قانون را پیگیری کند و به تدریج اسکناس هایی با فرمت جدید وارد بازار کند.